

مجلات منطقه ما: عصری، ۱۷ شهریور، کوی کارگران، مقدم، کوشش، کوی پارس، پروین اعتصامی المهدی، سیدی، ولی عصر (عج)، عسکریه، انقلاب بهارستان، ابوذر، ایمان، رباط، ایوان، طرق

شهرآرا مجله

شماره روزنامه شهر آرا: ۳۰۲۶
هفته نامه محلی مردم مشهد / شماره ۳۶۵ / سه شنبه / ۱ بهمن ۹۸
۸ صفحه

در یافت نسخه الکترونیک شهر آرا مجله از SHAHRARANEWS.IR

تلاش برای کسب روزی حلال در منازل با بهره بردن از هنر بانوان

از یک سنگ عقیق شروع کردم

اعظم شاهرودی، بانوی هنرمند خیابان امام رضا، توانست با همت و فروختن شعله خاموش شده هنر در تعدادی از بانوان این شهر پس از ۵ سال فعالیت در عرصه تولید صنایع دستی برای ۱۰ نفر از زنان خانه دار اشتغال ایجاد کند. ساکن خیابان امام رضا است. ۲ پسر و یک دختر دارد که یک پسرش استاد دانشگاه است...

پاسخ روابط عمومی سازمان اتوبوس رانی مشهد به سؤالات

امکان ایجاد خط در محله ایمان وجود ندارد

مدتی است برخی اتوبوس های منطقه جایشان را به مینی بوس هایی دادند که سرعت بیشتر و کم شدن زمان حضور آن ها در ایستگاه ها، امکانات سر مایشی، گرمایشی و در کل تازگی و تمیزی از جمله مزیت آن هاست...

مشارکت شوراهای اجتماعی محلات منطقه در طرح پوش و قف سواد

هم اندیشی برای رفع بی سوادی

نشست مشترک اعضای شوراهای اجتماعی محلات منطقه با مدیران پروژه شهر یادگیرنده شهر خلاق و مسئولان شهرداری منطقه برای همفکری و مشارکت شوراهای اجتماعی در فرایند شناسایی و ثبت نام شهروندانی که تاکنون به یادگیری سواد موفق نشده اند، برگزار شد...

هنگامی که علاقه فردی پهلووان محله کوشش با کارش آمیخته می شود

لوازم یدکی با چپه قناری!





shahraranews.ir

فضاآرایی خیابان فدائیان اسلام به مناسبت شهادت نواب صفوی

۱۰

یک روز خوب در کنار

بچه‌های میراب

حرف اول



امیر شهلا
عضو شورای اسلامی شهر

بچه‌های دبستان میراب طرق از همان روزهایی که رفتم تا برای یکی از کلاس‌های شان ویدئو پروژکتور هدیه ببریم و به بچه‌ها پیراهن ورزشی بدهیم قول گرفتند تا یک بار دیگر بروم و یک دل سیر میانشان بنشینم و حرف‌های شان را گوش دهم. حالا

موعده دیدار دو باره مان فرارسیده بود. اخوی امین از نیکوکاری ما موریت گرفته بود تا برویم و برای بچه‌های مدرسه، شیر و کیک ببریم. بچه‌ها ما امن آرامش و شادی و تحرک هستند. در سینه‌شان جز محبت و عاشقی چیزی نیست و در نگاه‌شان، تنها خوبی و عاطفه موج می‌زند. آن‌ها چون پر از لبخند و دوستی هستند، استاد متحول کردن حال‌ها به احسن الاحوال هستند. جنب و جوششان شیرین و لهجه کودکانه‌شان دلنشین است. غم‌هایت را می‌شویند و جایش، لباس خوش خلقی و شادی تنت می‌کنند. درست مثل آن چکامه دلنشین وزیبا مشیری که:

دل که تنگ است، کجا باید رفت؟
به در و دشت و دمن؟ / یا به باغ و گل و گلزار و چمن؟
یا به یک خلوت و تنهایی امن / دل که تنگ است کجا باید رفت؟

دل که تنگ است برو خانه‌ی دوست
شانه‌اش جایگه گریه‌ی تو / سخنش راه‌گشا
بوسه‌اش مرهم زخم دل توست / عشق او چاره‌ی دلنگی توست
دل که تنگ است برو خانه‌ی دوست
خانه‌اش، خانه‌ی دوست

عصر بیست و پنجم دی ماه، رفتیم و ساعتی به حرف‌های بچه‌ها گوش دادیم. یکی از درس و مشقش گفت و دیگری از آرزوهایش. یکی از کوچکی‌ها هنوز خاکی است و باید برای آسفالت کردنش فکری کرد و دیگری از زمینی که اول خیابان‌شان افتاده است و اگر مالکینش همت کنند و آن را به شهرداری هدیه بدهند، آن وقت شهرداری می‌تواند توی همان زمین، برای بچه‌ها زمین چمن مصنوعی بسازد. به اصرار آقاو حمید، معلم فرتن و پر جنب و جوش کلاس، چند دقیقه‌ای برای بچه‌ها حرف زدم. از «هدف» گفتم و اینکه قانون زندگی می‌گوید آن‌ها که در زندگی هدف ندارند، محکوم هستند برای آن‌هایی که در زندگی هدف دارند، کار کنند.

از بچه‌ها خواستم برای خودشان قله‌ای تعیین کنند و از همین حالا که کلاس پنجم هستند، بدانند چگونه و چطور باید به قله‌ آرزوهایشان برسند. مهم نیست که آن قله، دکتری باشد یا مهندسی، رانندگی باشد یا برق کاری، کشاورزی باشد یا خیاطی. اما مهم است در هر هدفی که برای خودشان انتخاب می‌کنند، نفر اول و موفق‌ترین عضو آن باشند. شش دانگ وجود بچه‌ها، گوش شده بود و غیر از شنیدن و نفس کشیدن، هیچ کار دیگری نمی‌کردند. این البته، از هنر من نبود، ضعف سیستم آموزشی ما را می‌رساند که به جای تحریک پذیر کردن و خودانگیختگی بچه‌ها، همه و قششان را با حفظی‌های

به در و نخور و درس‌های دست و پاگیر می‌گیرد و مجالی برای فکر کردن به خودشان و آینده‌شان، در اختیار آن‌ها نمی‌گذارد. بچه‌ها اگر در این سن ندانند فردا می‌خواهند چکاره شوند، هیچ آینده‌ای نمی‌شود برای شان تصور کرد!

بچه‌های کلاس خوب شنیدند و بعد از صحبت‌های کوتاها، نظرشان را گفتند. بیشترین واکنش مثبت را به واژه «خدمت» نشان دادند. از این واژه خوششان آمد و آن‌ها را در حافظه بلند مدت ثبت کردند. خدمت، اگر از نوع بی‌منتش باشد، با هیچ کاری در دنیا نمی‌شود عوضش کرد. بچه‌ها عاشق کمک‌رساندن و مهرورزی به دیگران هستند. کافی است ذهن آن‌ها را جهت بدهیم و کارهای خوب و عام‌المنفعه را به عنوان ارزش‌های همیشه جاویدان، در ذهن و ضمیر آن‌ها بکاریم. آن‌ها آینده‌سازان این سرزمین هستند که باید از همین امروز، برای ساختن مملکتشان، تبت و با همه علم و توان، به سمت موفقیت حرکت کنند. روز خوبی بود. جای شما خالی. ■



گزارش ۹ ماه مرکز ارتباطات مردمی شهرداری از تماس‌های منطقه ۷

نظافت معابر در اولویت

۵۲
سیده نعیمه زینبی
دبیر شهرآرا محله

مرکز ارتباطات مردمی شهرداری مشهد که با تلفن ۱۳۷ در بین مردم شناخته می‌شود آمار تماس‌های مردمی در ۹ ماه ابتدای سال ۹۸ را منتشر کرد. شهرداری مشهد در سال ۱۳۷۵ به راه‌اندازی واحد ارتباط مردمی خود با شماره سه رقمی ۱۲۰ اقدام کرد. سامانه‌ای که در میان کلانشهرهای ایران در مشهد جزو اولین نمونه‌های خود است. در سال ۸۰ واحد ارتباط مردمی ۱۲۰ با عنوان ۱۳۷ تغییر نام و فعالیت خودش را ادامه داد. این مرکز در سال ۸۸ به مرکز ارتباطات مردمی ۱۳۷ تبدیل شد و فعالیت خود را با رویکردی تازه آغاز کرد. این مرکز که ده سالگی خود را پشت سر می‌گذارد حالا اندک اندک جای خودش را در میان شهروندان بازی می‌کند تا مردم درخواست‌ها، مطالبات و گزارش‌های شهری خودشان را با آن در میان بگذارند. گزارش پیش رو کارنامه ۹ ماهه این مرکز در پاسخ به تماس‌های شهروندان منطقه ۷ است.

نظافت در اولویت!

باز زمانی این ارتباطات از یک فروردین تا ۳۰ آذر ماه ۹۸ است. در این مدت تعداد پیام‌ها و تماس‌های دریافتی مرکز از منطقه ۷، ۸۱۸۰ مورد که ۶۱۴ مورد آن طی آذر ماه بوده است. بیشترین درخواست مردم که در میان تماس‌ها

تکرار می‌شود رفت و روب است که به بحث نظافت معابر، شست‌وشو و لای‌روبی می‌پردازد. پس از آن مسائل مربوط به ساخت و ساز در رتبه بعدی قرار دارد که بیشتر به گزارش تخلفات ساختمانی اختصاص دارد. لکه‌گیری و مرمت آسفالت هم در رتبه سوم درخواست‌های مردمی قرار دارد. بیشترین تماس‌ها مربوط به ناحیه یک شهرداری منطقه ۷ است که ۵۲ درصد است. بعد از آن ناحیه ۲ با ۲۷ درصد و ناحیه ۳ با ۱۱ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارد. حوزه خدمات شهری بیش از بقیه بخش‌ها مورد درخواست‌ها و پرسش‌های مردمی بوده است که ۶۲ درصد موارد را در بر می‌گیرد. بعد از آن معاونت فنی و عمران با ۱۸ درصد، معاونت شهرسازی و معماری با ۱۵ درصد، حوزه حمل و نقل و ترافیک با ۲ درصد قرار می‌گیرد. مسائل مربوط به معاونت فرهنگی، اجتماعی، حوزه شهردار، معاونت مالی و پشتیبانی هم بایک درصد تماس‌ها کمترین درخواست را داشته‌اند.

آسفالت در المهدی

محله المهدی با ۷۵ پیام مردمی یک درصد پیام‌های مردمی منطقه را به خودش اختصاص داده است که در آن مسائل مرتبط با آسفالت، رفت و روب و ساخت و ساز بیشترین تماس را داشته است. در نتیجه این تماس‌ها ۵۲ درصد پیام‌ها یا در حوزه شهرداری بوده یا بوجه مورد نیاز برای اجرای آن وجود نداشته است. مواردی مانند سازه‌های

ایستگاه اتوبوس، احداث تقاطع غیر هم سطح، نصب روشنایی و آب سردکن، درخواست بهسازی پیاده‌رو، درخواست تعریض پیاده‌رو به صورت مکرر بیان شده که اقدامی برای آن انجام نشده است و حدود ۷ درصد موارد را در بر می‌گیرد. حدود ۲۱ درصد تماس‌ها به نتیجه منجر شده است. ۱۰ درصد درخواست‌ها در این محله منتظر اقدام است.

رفع سد معبر در قائم

در محله قائم ساخت و ساز و رفع سد معبر و رفت و روب بیشترین پیام را در میان ۱۹۰ پیام مردمی به خودش اختصاص داده است. این تعداد ۲ درصد پیام‌های مردمی منطقه است. ۵۴ درصد پیام‌ها به نتیجه رسیده است و ۲۸ درصد آن مواردی است که خارج از حوزه وظایف شهرداری است. در ۸ درصد مواردی که هیچ اقدامی برای آن انجام نشده مسائلی مانند طوقه چینی فضای سبز، ساخت استخر، بهسازی کال، احداث رمپ برای ویلچر، هم سطح‌سازی پیاده‌رو و روکش آسفالت را در بر می‌گیرد که سامانه ۱۳۷ به ثبت رسانده است. ۱۰ درصد تماس‌های محله قائم منتظر اقدام است.

ابوذر، نگران فضای سبز

مرکز ۱۳۷ برای محله ابوذر ۲۶۵ پیام مردمی را دریافت کرده است که فضای سبز، وجود حیوانات و لگد رفت و رفت و روب محله پرتکرارترین پیام‌های رسیده بوده است. در این ۹ ماه ۴۱ درصد

به قلم دوربین

شهرآرا

پخش مستند امیدیه در مجتمع فرهنگی امام رضا(ع)

هر کدام از آن‌ها بخشی از کار را به عهده می‌گیرند. روح الهی ادامه داد: هدف این کمیته حمایت از مستندهای انقلابی و فیلم‌های خوب سینمایی با محوریت انقلاب است. ما از طریق فضای مجازی از دوستان علاقه‌مند دعوت می‌کنیم. برای آثاری که موضوع‌های خاصی دارند کارشناس دعوت می‌کنیم تا درباره مستند پخش شده توضیح دهند. این دهمین مستندی بود که تاکنون پخش شده است. مستندهای پیش از این شامل سلفی با ابومهدی، برادران، دلار ۴۲۰۰ و ... بود که بیشتر آن‌ها در سینما هویزه اکران شدند. ■

مجتمع فرهنگی امام رضا(ع) در خیابان فدائیان اسلام میزبان گروه هم‌نظر باشگاه مجازی‌های انقلابی برای پخش مستند امیدیه بود. به گزارش شهرآرا محله، احد روح الهی، مسئول گروه، درباره این برنامه گفت: گروه هم‌نظر به پخش آثار هنری از قبیل فیلم، مستند و تئاترهایی با محوریت انقلابی اقدام می‌کند. در این گروه تنها ۴ نفر فعالیت می‌کنند که

۵۴

جلانیان



کارشناس گردشگری شهرداری منطقه گفت: به مناسبت ۲۷ دی ماه سالروز شهادت سید مجتبی نواب صفوی و ۲ تن از یاران ایشان و با توجه به اینکه خیابان فدائیان اسلام در منطقه ۷ قرار دارد، شهرداری منطقه به نصب برهایی با تصاویر این شهید در خیابان فدائیان اسلام از ابتدای میدان بسیج

تا انتهای این خیابان در پایانه غدیر اقدام کرده است. علیرضا کاویان افزود: ۲۰ بستر در مناطق شلوغ این خیابان نصب شده که روی آن‌ها توضیح‌هایی درباره زندگی شهید نواب صفوی ارائه شده است.



پاسخ روابط عمومی سازمان اتوبوس رانی مشهد به سؤالات و درخواست‌های شهروندان

امکان ایجاد خط در محله ایمان وجود ندارد

● احداث سایبان در ایستگاه‌های اتوبوس

احداث سایبان در ایستگاه‌های اتوبوس یکی دیگر از درخواست‌های شهروندان است که حتی درخواست آن را در پروژه محله ما نیز مطرح می‌کردند.

اتحادی در پاسخ به چگونگی احداث سایبان می‌گوید: اکنون ۳۳۵۰ ایستگاه اتوبوس در مشهد داریم که از این تعداد ۱۴۵۰ ایستگاه سایبان شیشه‌ای دارند و بقیه فاقد آن هستند. البته بخشی از ایستگاه‌ها به سایبان نیاز ندارند به آن دلیل که ایستگاه‌های تخلیه هستند و مردم از اتوبوس‌ها پیاده می‌شوند مانند ۱۳ ایستگاه مانده به انتهای خطوط و جدا از آن نصب سایبان بسته به شرایطی است که مهم‌ترین آن تعداد مسافران، عرض پیاده‌رو و نبود معارض است. البته در این راستا شهرداری‌های مناطق در برخی از نقاط که امکان ایجاد سایبان وجود ندارد می‌توانند با ما تعامل داشته باشند و از آنجایی که قرار دادن صندلی در محل ایستگاه‌های اتوبوس جزو مبلمان شهری محسوب می‌شود، از سوی همکاران ما در شهرداری‌های مناطق انجام می‌شود.

اتحادی در پایان درباره دستگانه‌های شارژ من کارت می‌افزاید: دستگانه‌های شارژ من کارت متعلق به سازمان فاوای شهرداری مشهد است. البته باید بگویم تعداد مراکز شارژ من کارت نسبت به مراکز که تا سال ۹۰ بلیت کاغذی می‌فروختند چندین برابر شده است. با این حال شهروندان عزیز اگر مکان‌هایی را که در آن کمبود وجود دارد، اعلام کنند ما به سازمان فاوا اطلاع خواهیم داد. هر چند خود شهروندان می‌توانند با سامانه ۱۳۷ تماس بگیرند و این درخواست را مطرح کنند.

در آن نیاز وجود دارد مگر نه به تعداد اتوبوس‌های ما نسبت به سال گذشته افزوده نیز شده است. تا سال گذشته ۱۷۱۰ ناوگان فعال داشتیم اما اکنون ۱۸۱۵ ناوگان اتوبوس و ۲۸۱ مینی‌بوس فعال در شهر به خدمت‌رسانی مشغول هستند.

شهروندان محدوده سیدی به‌ویژه خیابان ایمان از مدت‌ها پیش درخواست تردد اتوبوس‌ها از این خیابان را مطرح می‌کردند و حالا نیز که مینی‌بوس‌ها وارد سیستم حمل و نقل همگانی شدند درخواست تردد آن‌ها را مطرح می‌کنند. مدیر روابط عمومی اتوبوس رانی در پاسخ به این درخواست می‌گوید: برای ایجاد خط اتوبوس چندین ویژگی وجود دارد که مهم‌ترین آن درخواست شهروندان عزیز است و همچنین بافت مسکونی که تقاضای سفر در آن وجود داشته باشد. با وجود این شرایط مسیر از لحاظ ایمنی، آسفالت، روشنایی و عرض معبر بررسی می‌شود. در کنار آن به تأیید پلیس راهبر و کارشناس ترافیک شهرداری منطقه نیز نیاز داریم. در انتها در قالب یک کمیسیون تصمیم گرفته می‌شود این مسیر به اتوبوس یا مینی‌بوس نیاز دارد. درباره خیابان ایمان باید بگویم انتهای این خیابان مسدود است و البته شهروندان با طی حدود ۳۰۰ متر می‌توانند از ایستگاه‌های خیابان کوشش یا مهدی بهره‌مند شوند. ضمن اینکه ما در محدوده سیدی خطوط ۱/۷۶ را با ۵ دستگانه و خط ۷۶ به تعداد ۱۳ دستگانه، خط ۷۱ را با ۷ دستگانه، خط ۷۴ را با ۷ دستگانه، خط ۱۳ دستگانه و خط ۱۵ دستگانه تحت پوشش قرار دادیم.

مدتی است برخی اتوبوس‌های منطقه جایشان را به مینی‌بوس‌هایی دادند که سرعت بیشتر و کم شدن زمان حضور آن‌ها در ایستگاه‌ها، امکانات

سرمایشی، گرمایشی و در کل تازگی و تمیزی از جمله مزیت آن‌هاست. البته در این بین برخی گلایه دارند چرا مینی‌بوس‌ها جایگزین اتوبوس‌های آن‌ها شده است. افزون بر این شهروندان محدوده سیدی مطالبی همچون نبود نیمکت در برخی ایستگاه‌ها، کمبود دستگانه‌های شارژ من کارت یا ایجاد خط در خیابانی همچون ایمان را به ما مطرح کردند و خواستار پیگیری آن از شهرآرام‌حله شدند. برای رسیدن به پاسخ این موارد به سازمان اتوبوس رانی مشهد رفتیم و با عباس اتحادی، مدیر روابط عمومی این سازمان، به گفت‌وگو پرداختیم. مدیر روابط عمومی سازمان اتوبوس رانی مشهد در ابتدا از دلیل جایگزینی مینی‌بوس به جای اتوبوس در برخی از خطوط می‌گوید: زمانی که مسافران سوار اتوبوس می‌شوند و من کارت می‌زنند اطلاعات آن و آمار کلی ورودی اتوبوس در اینجا گردآوری می‌شود و ما بر اساس تعداد مسافر خطوط به آن اتوبوس یا مینی‌بوس اختصاص می‌دهیم. افزون بر این دلایل دیگری نیز همچون عرض معابر شهری وجود دارد. در برخی از معابر شهری امکان عبور اتوبوس به علت عرض کم وجود ندارد. ضمن اینکه اتوبوس‌هایی که جابه‌جا می‌شوند به خطوطی انتقال پیدا می‌کنند که



درخواست‌ها عدم امکان اقدام تشخیص داده شده و به بقیه موارد رسیدگی شده است. ۳۵ درصد پیام‌ها به نتیجه مطلوب منجر شده است. ۲۰ درصد آن‌ها در انتظار اقدام و ۴ درصد بدون نتیجه بوده است. احداث فضای سبز، فروشگاه شهر ما و آسفالت از درخواست‌هایی است که هیچ اقدامی برای آن نشده است.

● حیوانات، معضل طرق!

در محله طرق با ۹۳ پیام دریافتی موضوع جمع‌آوری حیوانات، سد معبر و نظافت بیشتر مورد توجه قرار گرفته است که برای ۳۱ درصد آن اقدام لازم انجام شده است. در پیام‌ها موضوع ایستگاه اتوبوس، پلاک‌گذاری و بهسازی پیاده‌رو مطرح شده که تاکنون به آن رسیدگی نشده است و ۱۶ درصد پیام‌های مردمی را در بر می‌گیرد. ۴۴ درصد درخواست‌ها غیر قابل امکان تشخیص داده شده است.

● خلع بیشترین پیام!

بیشترین حجم پیام‌های دریافتی از محله خلع با حدود ۴۷۰ مورد است که شاید این پیام را به مسئولان می‌رساند که به رسیدگی بیشتری در این منطقه نیاز دارند. محله خلع ۵ درصد پیام‌ها را به خود اختصاص داده که موضوع ساخت و ساز، آسفالت و فضای سبز در آن پررنگ‌تر است. در این پیام‌ها ۶۳ درصد به نتیجه برای شهروند منجر شده است. حدود ۷ درصد در انتظار اقدام ۲ درصد مسائل مرتبط با فنی و عمران و خدمات شهری است که در انتظار اقدام مناسب مسئولان است. روکش آسفالت و پاک‌سازی زمین‌های بایر و سم‌پاشی برای موش از موارد مطرح شده در این قسمت است.





هنگامی که علاقه فردی پهلوان مح

لوازم یدکی با

گل دفتر

۵۶

سیده نعیمه زینبی

سر و کارش با آهن و فلز است اما رخوت آن‌ها دلش را سرد نکرده است. متولد ۴۲ است و چند سالی است که خادم حرم شده است. عکس آیتا... بهجت، گل نرگس و یادبودی از تیمم باستانی محبین حضرت علی اکبر(ع) در کنار دفتر درخواست‌ها و کاغذهایی که هر کدام یک فهرست از سفارش‌های تلفنی است. پهلوان است ولی پهلوانی برایش فقط در گود زورخانه نیست که میل بردارد و چرخ بزند. این پهلوانی در زندگی‌اش و لابه‌لای رفتارهایش جریان دارد. اهل حرف نیست و کم می‌گوید. لابه‌لای مصاحبه کار مشتری‌ها را راه می‌اندازد. تلفن پاسخ می‌دهد و چای می‌ریزد. میانشان چند کلمه هم می‌گوید. همین است که ۳ روز متوالی برای



● صدای پرنده‌ها از کجاست؟

از او می‌پرسم: «صدای پرنده‌ها از کجاست»، می‌خندد. پیگیر می‌شوم و جست‌وجو می‌کنم اما چیزی پیدا نمی‌کنم. صدا یک لحظه هم قطع نمی‌شود. می‌پرسم: «صدای ضبط شده است؟» دوباره می‌خندد. به من اجازه می‌دهد به نیم طبقه کوچکی بروم که صدای درهم قناری‌ها آنجا اوج می‌گیرد. از من قول گرفته تا از آن‌ها فیلم یا عکس بگیرم. «این‌ها با برنامه کاری من مرتبط نیست. فقط علاقه است.»

من هم رعایت می‌کنم. اما از دنیای کوچکی که در دل یک ابزارفروشی برای خودش ساخته است به وجد می‌آیم. رویای کوچکش را دنبال کرده و آن‌را به بهترین شکل ممکن پرورش داده است. هرچه به در اتاقک کوچکش نزدیک می‌شوم صدای چهچه و قرآن واضح‌تر می‌شود. صدای قرائت مجلسی عبدالباسط میان نوای مختلف پرنده‌ها گم شده است. قفس‌ها به ردیف چیده شده‌اند. انگار یک باره از یک فضای گاراژی وارد یک باغ پرنده شده باشی. اینجا دیگر خبری از گیربکس، لوله فارسونگاه، شاطون و پیستون نیست. آنچه هست یک اتاقک پر از قفس‌هایی است از قناری‌های زرد و سفید و طلاایی و موزاییکی، برنزی و عاجی! قناری‌هایی که برای خواندن به یکدیگر امان نمی‌دهند. مردی در میان قفس‌ها جارو به دست گرفته است و نظافت می‌کند. گوشه‌اش در حال پخش قرآن است. با حضور من نوای قرآن را قطع می‌کند. او را از دنیای کوچکش بیرون آورده‌ام. اینجا یک محیط کوچک شخصی‌ساز است برای یک علاقه‌جست یافته. حسن ثنایی مسئول نگاه‌داری از این قناری‌هاست.

● کسی حق رفت‌وآمد ندارد!

روی رفت‌وآمد به آنجا حساس است. می‌گوید: «تردد آلودگی را به اینجا وارد می‌کند. پرنده لطیف است و ممکن است بیمار شود.» حتی نزدیکان حاج آقا هم حق ورود به این فضا را ندارند. از وقتی تعداد پرنده‌ها بیشتر رسیدگی به آن‌ها برای مهدیزاده غیرممکن شده است ثنایی به کمک او آمده است تا از پرنده‌هایش مراقبت کند. تمام امورات مربوط به پرنده‌ها به ثنایی و اسپاری شده است. حالا وقتی که تعارف بینشان می‌افتد و هرکدام دیگری را مسئول پرنده‌ها می‌دانند، می‌مانی واقعا این همسایه‌های آوازه‌خوان شلوغ متعلق به کدام یک است. هر دو نشان عشق به این کار دارند و از وجود آن‌ها حظ می‌برند. ثنایی کار عجیبی را قبول کرده است. شده است پرستار تعدادی پرنده در یک فروشگاه لوازم یدکی بنز و مایلر! حاج آقا هم ترجیح می‌دهد که به جای داشتن شاگرد در مغازه‌اش یک تیمارگر برای پرنده‌هایش داشته باشد. به وضوح دست‌تهداست. وقتی برای جور کردن جنس مشتری بارها میان قفسه‌ها راه می‌رود و خودش مجبور می‌شود آن‌ها را بسته‌بندی کند فکر می‌کند شاید اگر یک کمک داشت، بد نبود. البته ثنایی وقتی که به کار پرنده‌ها رسیدگی کرده او ملحق می‌شود تا باری از دوش او بردارد. اما اولویت او رسیدگی به قناری‌هاست.

● خرید با نوای چهچه!

در طول مصاحبه صدای نازک پرنده‌ها زیر صدای هر مشتری است که می‌آید. چهچه‌هایی آمیخته با هم که هار مونی‌نت‌های خوانششان چنان در هم آمیخته است که نمی‌توانی آن‌ها را از هم جدا سازی. انگار یک گروه کر همسرایی می‌کند. در میان آهن‌ها و قطعات بی‌روح ماشین‌های بزرگ که خمود و خاموش در انتظار مشتری هستند چنین همه‌همه‌ای روح را گرم می‌کند. انگار خشونت آهن هم در کنار این نوای دل‌انگیز ملایم‌تر شده است. از قدیم چند سالی پرنده داشته است.

چند قناری کوچک همدم روزهایش بوده است. حتی پدرش هم قدیم قناری داشته است. مهدیزاده می‌گوید: «من عشق قناری از همان اول در دلم افتاد و رها نمی‌کردم. بعضی از همسایه‌ها کبوتر داشتند ولی من علاقه به قناری داشتم. دوسه سالی است که شروع کردم و کم‌کم زیاد شده و به این تعداد قفس رسیده است. همسایه‌هایم می‌دانند

● پدرم راننده بود

عکس پدرش را قاب گرفته و روی دیوار مغازه‌اش زده است. اینجا مغازه مرحوم پدرش است که سال ۸۶ فوت کرده و حالا پسر میراث‌دارش است. جایی که لحظه لحظه حضور پدر را حس می‌کند. از حدود ۵۰ ساله که شاگرد گاراژدارها در حال شکل‌گیری است مرحوم مهدیزاده به این مغازه نقل مکان می‌کند. تعمیرگاه‌ها و کامیون‌ها همه در این راسته مشغول فعالیت هستند پس چه بهتر او هم که فروشنده لوازم یدکی ماشین‌های بزرگ است به همین مکان بیاید تا کار را برای مشتری‌هایش آسان‌تر کند. او از سال ۵۷ شاگرد پدرش بوده است. زمانی که مرام راننده‌های قدیمی و تلاششان برای یک پسر بچه که تازه دارد الفبای مردانگی را می‌آموزد در ذهنش چنان نقش می‌پذیرد که سال‌ها بعد وقتی یک خبرنگار روبه‌رویش می‌نشیند از آن‌ها یاد می‌کند. «آدم‌های درستی بودند که حرف و قولشان یکی بود. رانندگی شغل سختی است و آن‌ها آدم‌های زحمت‌کشی بودند.»

پدرش دستی به فرمان داشت و جاده تهران-مشهد زیر تاپه‌های زمخت بنز هموار می‌شد. پیش از اینکه رانندگی را کنار بگذارد و ۲۰ سال آخر لوازم یدکی بنز بربندد. (تلفن زنگ می‌خورد و میان حرف‌هایمان قیمت لوازم یدکی مایلر رد و بدل می‌شود.)

دست‌تهداست و کسی را ندارد که بخواد کمک کارش باشد. خودش لابه‌لای قفسه‌ها می‌چرخد و اسبابی را که مشتری می‌خواهد فراهم می‌کند. چایخانه کوچکش در آخر مغازه به راه است تا هرکدام از مشتری‌ها و رفقایش که از او بپرسند: «حاجی چایی هست» بگوید: «بله. بفر مایید» و آن‌ها را دعوت به یک استکان چای دارچین یا بابونه کند. یخچالش پر از انواع چای‌های گیاهی است که برای یک مغازه لوازم یدکی بیش از اندازه مجهز به نظر می‌رسد. بیشتر شبیه صندوق‌های جادویی مادر بزرگ‌هاست که همه چیز درون آن پیدا می‌شود. یک عطاری جمع و جور در یک یخچال کوچک.

● به یاد مرحوم سلیمانی

مشتری‌هایش که زنگ می‌زنند یک برگه بر می‌دارد و سفارش را روی کاغذ می‌نویسد. اگر جنسش اصل نیست همان لحظه به مشتری اعلام می‌کند تا نکند ناراضی مشتری را داخل کسبش وارد کند: «روی این یکی بنویس که ایراد دارد و بگذارد عقب مغازه تا برگشت بنیم.»

یک ماشین حساب قدیمی کاسیو روی میزش از ۵۰ سال قبل نشسته است. کهنسال اما همچنان پابرجا و یادآور خاطراتی که میان اعداد خاموش ثبت و ضبط کرده است. در فروشگاه جای نشستن نیست. روی یک تکه فلزی می‌نشینم و به قفسه مملو از وسایل تکیه می‌دهم. از زمانی که مشهد مهد زورخانه بوده است برابمان می‌گوید. به همین بهانه پای صحبتش نشسته‌ایم و پایه دنیای پرنده‌ها می‌گذاریم. «پدرم اهل بالا خیابان و کوچه زردی بود و ماسد اهل پایین خیابان و کوچه حاج ابراهیم.»

از اوایل انقلاب زورخانه را شروع می‌کند. دنیای دوستانه او را با گود زورخانه پیوند می‌زند: «روی باستانی کارها مردم حساب می‌کردند. گروه‌گشایی می‌کردند بدون اینکه کسی متوجه شود. ورزشی است که هم با زور پهن می‌کند و هم اخلاق را پرورش می‌دهد. متأسفانه الان زورخانه‌ها وضعیت خوبی ندارند. هم سطح آموزشی‌اش پایین است و هم جوانان کم‌به‌زورخانه می‌آیند. هر چه جمعیت در شهر مشهد زیاد شده تعداد افراد در زورخانه‌ها کم شده است. حیف این ورزش است که این جور غریب مانده است. جوانان چه می‌دانند که ورزش باستانی چه هست؟ در تلویزیون هم وقتی مناسبتی باشد حرف از این ورزش می‌زنند.»

اندوهش از مغفول ماندن ورزش مورد علاقه‌اش را نمی‌تواند پنهان کند. عکس زیر شیشه تنها میز کار مغازه‌اش را نشانمان می‌دهد. تصویر یک روزنامه قدیمی که چند سالی از عمر خبرش می‌گذرد ولی هنوز برای او کهنه نشده است. خبر درگذشت پهلوان سلیمانی در سال ۹۳ پهلوان صاحب‌نامی که چند بازو بند پهلوانی دارد برایش جانکاه بوده است.

تمام روز از صدایشان بهره می‌برم. به وجود این چهچه در این فضا عادت کرده‌ام.»

● راننده چرتقیل بودم

ثنایی حدود ۳۰ سال است که با پرنده‌ها سروکار دارد. مسیر پرتلاطمی را پشت سر گذاشته است. از زمانی که شوهر خواهرش به پرورش قناری روی آورد و او را هم گرفتار

که پرنده دارم. هزینه نگهداری‌شان زیاد می‌شود چون تعداد بالا است اما علاقه دارم. این‌ها فقط هزینه دارد و صرف علاقه است. دستم به کم نمی‌رود. هیچ وقت به کم کردنشان فکر نکردم.

همین طور خودشان تخم گذاشتند و زیاد شده‌اند. نگهداری قناری کارش کاملاً تخصصی است. دوسال است اینجا هستند. صدایشان آرامش‌بخش است. من

گاهی ۵۰ تا قناری با هم می خوانند ولی برای ثنایی طبیعی شده است. درباره صدای قناری ها که فضا را در بر گرفته است می گویند: در خارج از ایران خواندن قناری ها تخصصی تر است و هر نژاد سبک خاص خودش را می خوانند. در ایران نهایت به یک مدل قناری می گویند بخوان. به یک مدل دیگر هم لفظ دهان خارجی می دهند که سبک های مختلف می خوانند. بعضی از

قناری بازها در سبک آواز خوانی جوجه کشی می کنند بر موسیقی هایی که برای پرند پخش می کنند نظارت دارند. هر جوجه ای از پرند ای که در مجاورتش می خواند تقلید می کند. حتی اگر از آن نژاد نباشد از بقیه یاد می گیرد. فقط در تن صدا ممکن است فرق داشته باشند. در ایران بیشتر قناری ها شبیه هم می خوانند و کسی روی نژاد آواز خوان کار نمی کند.

کوشش با کارش آمیخته می شود

چهارچوب قناری!

مصاحبه به فروشگاهش می روم. علائقش را روی در و دیوار مغازه شلوغش در نزدیک ترین فاصله از خودش قاب گرفته است. عکس پدرش، دعا، نام امیرالمؤمنین (ع)، تصویر شهید حسنی کارگر و روزنامه کهنه ای که خبر فوت پهلوان سلیمانی را چاپ کرده است! اما آنچه این مکان را خاص کرده است، صدایی است که لحظه ای خاموش نمی شود. نشاطی که در حال و هوای لوازم یدکی مهدیزاده جاری است نمی گذارد رخوت به جان بیفتد. این را وقتی می فهمی که وارد اتاقک کوچک بالای فروشگاه می شوی جایی که دور تا دورت را قفس ها و پرند های خوش آب و رنگ محصور کرده اند. صدای پرند ها در لوازم یدکی فروشی آن قدر سرشار است که خیال می کنی وارد یک پرند فروشی شدی اما نه! اینجا فقط یک لوازم یدکی ماشین های سنگین است که صاحبش عاشق قناری است.



این وادی می کند تا الان که شده است مراقب پرند های یک مغازه لوازم یدکی: « ۱۵ سال بیشتر نداشتم که اولین قناری ها را داشتم. از خواندنشان خوشم آمد.»

پیش از این راننده جرثقیل بوده است. یک کار سخت و پراضطراب که سر و کار با جسم سرد آهن دارد و رقم زدن اتفاق های پیش بینی نشده برای آن کاری ندارد. متولد ۵۲ است. شغل خانوادگی اش گلدوزی بوده است. کاری که به

علت کاهش تولید و سفارش کار به تعطیلی می کشد اما از همان زمانی که سال دوم دبیرستان است انگار با این حیوان کوچک دوست داشتی عجین شده است. در همه اتفاقات زندگی اش صدای چهچه آن ها نوای موسیقی بوده که از آن دور نشده است. گاهی حتی نقششان چنان پررنگ می شود که او را از جریان معمول زندگی باز می دارد. مانند وقتی که مجبور می شود دیپلمش را شبانه بگیرد. قناری های خانه اش

هیچ وقت به زیر صد نرسیده است. حتی زمانی که راننده جرثقیل است با حضور آن ها زندگی اش را تلطیف می کند: « تا چند سال پیش درآمد فروش قناری از یک پزشک بیشتر بود اما یک باره قیمت ها افت کرد و من مجبور شدم در ارزیابی پرند هایم را بفروشم. ضرر کردم. آن زمانی که من از جرثقیل با کلی مدرک یک میلیون و دو بیست درآمد داشتم، همسر در خانه از قناری ها ماهی ۴ میلیون تومان درآمد داشت. یکی از همکارانم در کار با جرثقیل آسیب دید فوت کرد و همسر دیگر نگذاشت که آن کار را ادامه بدهم. من زیاد از کارم در خانه تعریف نمی کردم ولی چندباری زخمی شدم. فوت همکارم در سال ۹۲ باعث شد تا من تغییر شغل بدهم.»

این کار عشق است

علاقه اش به قناری و درآمدی که آن موقع از آن مسیر کسب می کند باعث می شود تا به پرورش قناری روی بیاورد. برای نگهداری قناری نیاز به فضا دارد. خانه اش را می فروشد و در یک منطقه دیگر شهر یک دو طبقه می خرد تا قفس پرندگانش را در یک طبقه جدا بگذارد. چند سالی به صورت تخصصی به این کار می پردازد. پرورش نژادهای مختلف و متنوع باعث رونق کارش می شود.

همه چیز خوب پیش می رود تا زمانی که روابط ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس که اصلی ترین مشتری قناری های ایرانی است کمتر شود. صادرات کاهش می یابد و قیمت پایین می آید. تعداد زیاد پرند و فروشنده و اندکی خریدار، بازار را خراب می کند تا او هم مجبور شود پرند هایش را با قیمت پایین تر از خریدش بفروشد. قناری هایی که با قیمت یک میلیون تومان خریده است با مبلغ ۱۰۰ هزار تومان می فروشد تا از دنیای قناری ها فاصله بگیرد. چند وقتی را رانندگی می کند تا شغل دیگری به فهرست مشاغلش که در آن مهارت دارد، افزوده شود اما دست روزگار او را به مغازه حاجی می کشاند. جایی که او باز با دنیای دوست داشتنی اش آشتی می کند. دوست مشترکشان آن ها را به هم معرفی می کند تا حاجی مهدیزاده کار نگهداری قناری هایش را به او بسپارد. گاهی کار حاجی آن قدر زیاد می شود که حتی چند دقیقه فرصت نمی کند تا به پرند هایش غذا بدهد. حدود یکی دو سال است که دیگر حاجی خيالش از بابت پرند های مورد علاقه اش راحت است. می داند کسی هست که بهتر از او به آن ها رسیدگی می کند. برای ما که دور از این وادی هستیم جای تعجب دارد که کسی فقط به صرف علاقه پرند نگه دارد و کسی را برای مراقبت از آن ها استخدام کند. ولی برای آن ها که عمری در این راه گذاشته اند این اصلا موضوع عجیبی نیست: « نگهداری این همه قناری اصلا توجیه ندارد. هر چه قیمت قناری پایین آمده قیمت دارو و دانه چند برابر شده است ولی این کار عشق است.»

۸ نژاد قناری داریم

الان ۸ نژاد خالص را در مغازه نگه داری می کنند. او بسیار نگران قناری هایش است و به همین دلیل نمی گذارد افراد متفرقه به میان قفس ها رفت و آمد داشته باشند. وسواس خاص او برای خرید دانه مرغوب برای پرند ها زبانه زد است. می گوید: « در خرید هر چیزی برای پرند باید دقت داشته باشی. در خرید دانه، دارو و حتی قفس. او هرگز قفس کار کرده برای پرند ها نمی خرد. قفس را از قفس ساز می خرد تا آلوده نباشد. برای خرید دانه حواسش هست. وقتی صحبت از پرند می شود سمت و سوی ذهن همه به طرف کبوتر می رود. او که علاقه زیادی به قناری دارد هرگز سمت کبوتر نمی رود و می گوید علاقه ای هم برای این کار هیچ وقت نداشته است: « برعکس کبوتر قناری اسم خوبی بین مردم دارد. اگر در یک تور کمتر بنشیننی و صحبت ها را گوش کنی متوجه فرقیان می شوی. افرادی زیادی هستند که پزشک یا مهندس هستند ولی نگهداری قناری را هم دوست دارند. نگاه مردم به این کار منفی نیست. برای بعضی هم جنبه اقتصادی پیدا کرده است. زمانی که بازار خوب بود بارها پیشنهاد شراکت در مبالغ بالا را داشتم که نپذیرفتم.»

حسی شبیه فرزندت!

در روزگار فعلی که همه افراد به دنبال کارهایی می روند که دوست ندارند کمی باورش سخت است که کمتر کسی را پیدا کنیم از کاری که انجام می دهد، لذت ببرد. اما ثنایی این کار را دوست دارد. اگر چه برایش شغل است اما عشق هم هست. اینکه به پرند ها رسیدگی کند و برایشان مایحتاج فراهم کند حظی دارد که در خور وصف نیست: « بخوایم مقایسه کنی مثل فوتبال است. زمانی که من فوتبال را شروع کردم هیچ پولی در کار نبود. من یک پیشنه از تیم آدنیس داشتم که به دلیل رفاقتم با هم تیمی هایم نرفتم. من آنجا حقوقی که از کارم می گرفتم ۷۵ هزار تومان بود و به من پیشنه ۱۰۰ هزار تومانی برای آن تیم دادند که نرفتم. ما به عشق لباس بازی می کردیم. قناری هم همین حالت را برایم داشت. فقط برای عشق بود. در این دنیا کسی را می بینی که افتخار می کند، قناری دارد که ده رقم دهان می زند و می خواند. یا می گوید یک قناری دارم که این کتتش یک رنگ است و کت دیگری رنگ دیگر و با همان عشق می کند. البته برای کسانی که جنبه اقتصادی پیدا می کند این عشق کم رنگ شده است. وقتی یک نژاد نایاب را پرورش می دهی و جوجه ای که اندازه یک لوبیاست بزرگ می شود لذت بی اندازه ای دارد. وقتی یک قناری به قول ماسیخ پر می شود و غذا دادن پدر و مادرش را می بینی باز کیف می کنی. وقتی که جوجه ای که خودت مراقبش بودی روی چوب می ایستد حسی شبیه به ثمر رسیدن فرزندت به تو دست می دهد. وقتی شروع به خواندن می کند یاد موقعی می افتی که بچه ها به صحبت می آیند، چقدر لذت می ببری. کم کم کامل می خواند و جفت پیدا می کند. همه این مراحل برای خودش لذتی دارد که وصف شدنی نیست. فقط کسی که در این وادی باشد می فهمد چه می گویم.»

زمانی هم می رسد که خسته می شود و به طور کامل از این کار دست می کشد. دوستانش هیچ کدام باور ندارند که او بتواند از پرورش قناری دست بشوید. می گوید: « این کار آلودگی دارد. کسی هست که سال ها قناری ندارد ولی یک باره باز به سراغش می رود. او دو جفت می خرد. باز یک ماه دیگر چند جفت دیگر می خرد. همین طور یک باره باز می بیند که صد قناری دارد. من خودم آخر کاری حدود ۶۰۰ قناری داشتم. الان هرکسی قناری نگه می دارد برای ارضای حس علاقه اش است و گرنه جنبه اقتصادی ندارد.»

برای قرآن پول نمی گیرم

برای پرورش قناری نمی شود تعطیلی داشت. حداقل او نمی تواند حتی برای یک روز هم آن ها را رها کند. حتی وقتی تعطیل است یا کار دارد خودش را به مغازه می رساند تا به آن ها رسیدگی کند و غذاایشان را بدهد: « پرند کوچک و ضعیف است. به ویژه وقتی جوجه دارند اگر یک روز غذا نداشته باشد تلف می شود.»

ثنایی فوتبال و قرآن و قناری را با هم شروع کرده است. تفریح و زندگی اش آکنده از این سه ماجراست. ۲۵ سال در جوار قرآن بودن باعث شده است که حالا استاد قرآن باشد و به همین دلیل گاهی که در حال کار در میان قفس قناری هاست نوای فرح بخش قرآن را پخش می کند. گاهی که می خواهد درسی را تمرین کند یا به قرآن آموزان کلاسش آن را تمرین بدهد روزها خودش آن را مرور می کند. از کلاس اول راهنمایی تا الان با قرآن مانوس است: « من تا مسابقات مشهد هم رفتم. کسی که در مشهد اول بشود در دنیا اول می شود. سبک های مختلفی را کار می کنم. برای مراسم های مختلف می روم ولی قرآن را برای درآمد نمی خوانم. من تا به حال برای قرآن پول نگرفتم و نمی گیرم. قرآن مظلوم است. زمانی جلسات قرآن به ۱۲ نفر می رسید الان جلسات به ۱۰ نفر نمی رسد.»

حتی زمانی که مشکل مالی دارد هم به ذهنش نمی رسد که بخواید از این راه کسب درآمد کند. حتی کسانی را که به او پیشنهاد کلاس خصوصی می دهند، می پذیرد ولی پول دریافت نمی کند. اعتقادش همین است که قرآن را باید به خاطر خود قرآن خواند. ■



تلاش برای کسب روزی حلال در منازل با بهره بردن از هنر بانوان مشهدی

از يك سنگ عقیق شروع کردم

هم محلی



اعظم شاهرودی، بانوی هنر مند خیابان امام رضا، توانست با همت وافر و ختن شعله خاموش شده هنر در تعدادی از بانوان این شهر پس از ۵ سال فعالیت در عرصه تولید صنایع دستی برای ۱۰ نفر از زنان خانه دار اشتغال ایجاد کند. ساکن خیابان امام رضا است. ۲ پسر و یک دختر دارد که یک پسرش استاد دانشگاه است و پسر و دختر دیگرش نیز معلم هستند. ویژگی او قدم نهادن در مسیری است که یک رقیب قدر به نام محصولات چینی در آن وجود دارد و او با تکیه بر هنر و اراده ای که دارد باید با این رقیب قدر رقابت کند. شاهرودی از زندگی خود و چگونه جذب شدنش به تولید صنایع دستی می گوید: «به واسطه یکی از دوستانم بافندگی فرش و خیاطی را یاد گرفتم و پس از آن به کلاس های فنی و حرفه ای رفتم. چند سالی بافندگی کردم اما به خاطر بچه ها و خانواده زیاد سراغ آن نمی رفتم. چندسنگ عقیق زندگی این بانوی هنر مندرابه کل تغییر می دهد و او را به یک کارآفرین خانگی تبدیل می کند. هنر مند خیابان امام رضا ادامه می دهد: «۵ سال پیش یک روز پدرم چندسنگ عقیق به من داد و گفت: «بینم با آن ها چه کاری می توانی انجام بدهی.» من نیز سنگ ها را برداشتم و به یک مجتمع تجاری رفتم. با قالب هایی که در مغازه های آنجا می دیدم به فکر رسید چه کارهای زیادی می توانم انجام بدهم. سنگ ها را روی قاب های مختلف می گذاشتم و می دیدم چقدر قشنگ می شوند. به تعداد سنگ ها قالب خریدم و آن ها را به برادر زاده هایم هدیه دادم و این به شروع کار من تبدیل شد. البته این را بگویم تا آن زمان عقیق را بیشتر روی طلا و نقره کار می کردند و من ندیده بودم کسی روی برنز و برنج پیاده کند. من این کار را کردم و یک حالت زیر خاکی پیدا کردند و بسیار زیبا شدند. بعد از آن تعدادی قاب و زنجیر خریدم و سنگ ها را روی آن ها سوار کردم. به این ترتیب ۳۰ زنجیر دیگر درست کردم. از کار خودم خیلی ذوق داشتم. زنجیر ها را به چند مغازه که صنایع دستی داشتند برای فروش بردم. تمام آن ها استقبال کردند، تنهایی گفتند باید به صورت امانی نزدشان بگذارم و زمانی که بفر و شنید پول من را می دهند. از آنجایی که من بیشتر دوست داشتم کارهایم دیده شوند، تولیداتم برانزد آن ها گذاشتم. در ادامه نیز باتشویق همسرم رفتم مواد اولیه خریدم و دوباره شروع به این کار کردم.»

وام های خانگی محرک کسب و کار خانگی

گذاشتن اجناس که تنها سرمایه این بانوی هنر مند بود در مغازه ها و بازنگشتن سرمایه اولیه، او را در همان ابتدای راه با مشکل روبرو می کند. شاهرودی از بازنگشتن پول اجناسش و اینکه برای ادامه کار چه اقدامی انجام داده است، بیان می کند: «من مواد اولیه را باید نقدی می خریدم و تولیداتم را امانی می گذاشتم. باز نگشتن پول، تهیه مواد اولیه را برایم دشوار کرده بود تا اینکه ۳ وام خانگی توانستم بگیرم و این کمک کرد تا مواد اولیه را بخرم و بتوانم زیورآلات بیشتری بسازم. در همین زمان حتی محصولاتم را به تهران بردم و در یک مجتمع به مغازه هایی که صنایع دستی می فروشد،

عرضه کردم. در این مجتمع به من کمک و برای بهتر شدن کارهایم راهنمایی هایی کردند.»

کارآفرینی برای بانوان هنرمند

چیزی نگذشته بود که کار خانم شاهرودی گسترش پیدا می کند و او با بهره بردن از بانوان خانه دار به یک کارآفرین مشاغل خانگی تبدیل می شود. کارآفرین محله کوشش ادامه می دهد: «یک سال که کار کردم به این نتیجه رسیدم که با نقاشی می شود کارهای ظریفی روی زیورآلات انجام داد. به عروسم که در گذشته نقاشی کار می کرد، پیشنهاد همکاری دادم و او پذیرفت و از آن زمان او قاب ها را نقاشی می کند. پس از یک سال که به مغازه های صنایع دستی جنس می بردم می دیدم گلدوزی و محصولات بافتنی نیز جزو اجناس آن ها قرار دارد و از آنجایی که خواهر من نیز هنر مند است و گلدوزی های خیلی قشنگی درست می کند به او پیشنهاد همکاری دادم و خواهرم نیز به کار ما افزوده شد. از تولیدات خواهرم نیز به خوبی استقبال شد. بعد از مدتی یکی از خانم های فامیل از من خواست به او کاری بدهم تا انجام دهد. من نیز به او پیشنهاد تولید یک مدل از عروسک را دادم و کمکش کردم تا یاد بگیرد و او نیز به جمع ما اضافه شد. در ادامه تعدادی از دوستان و اقوام دیگر به ما پیوستند و اکنون ۱۰ نفر با من همکاری می کنند که میانگین سنی آن ها بین ۲۸ تا ۴۰ سال است و تعدادی از آن ها سرپرست خانواده هستند. ما با کمک هم زیورآلات، قاب، گلدوزی، کیف، کفش، ذکوری، چندین مدل عروسک بافتنی، دستمال های رومیزی، چرم دوزی و... را تولید می کنیم.»

بازاریابی به شکل های مختلف

بازاریابی و فروش شاید بیش از تولید محصول زحمت داشته باشد. پیدا کردن بازار برای عرضه محصول چندان کار راحتی نیست به ویژه با داشتن رقیب قدری همچون محصولات چینی. شاهرودی از نحوه فروش محصولات خود می گوید: «برای فروش تولیداتمان از همان اوایل اجناس را به دستم می گرفتیم و به مغازه های مختلف می بردم. بیشتر مغازه ها که خانم بودند از من می پرسیدند چگونه بار به این سنگینی را حمل می کنم؟! که در پاسخشان می گفتم چاره ای نیست. کسی نمی آید در خانه من را بزند و بپرسد تو چه چیزی تولید می کنی و آن ها را از من بخر. حتی اجناسم را در فضای مجازی برای فروش عرضه می کردم و مشتریان از تهران، شیراز و اصفهان از این طریق پیدا کردم. حتی این روزها با وجودی که مشتریان ثابت پیدا کردم و مغازه دارم و خودم می توانم محصولات را به نمایش بگذارم به این اکتفا نکردم و باز برای پیدا کردن مشتریان جدید تلاش می کنم.» بانوی کارآفرین در پایان خطاب به بانوان مشهدی می افزاید: «به خانم های خانه دار می گویم حیف است که به علت داشتن فرزند و اینکه در خانه هستند فعالیتی انجام ندهند. آن ها می توانند بسته به توانایی و محدودیت هایی که دارند فعالیت کنند و از هنر و توانایی خود بهره مند شوند. تنها صبر و پشتکار لازم است.»

چند سنگ عقیق زندگی این بانوی هنرمند را به کل تغییر می دهد و او را به یک کارآفرین خانگی تبدیل می کند



کارشناس پدافند غیر عامل شهرداری منطقه ۷ گفت: با توجه به بارش برف اخیر و ضرورت تکاندن برف از روی درختان برای جلوگیری از شکستن شاخه‌ها و درختان، کلاس آموزشی برای اعضای دوام ثامن منطقه در بوستان طرق برگزار شد. به گزارش شهر آرا محله، علیرضا امامیان افزود: در این کلاس که سرگروه‌های

تیم‌های دوام ثامن منطقه حضور داشتند نکاتی از جمله نحوه تکاندن برف، مراقبت از سیم‌های برق بین درختان، جلوگیری از خسارت‌های جانی، مالی و... به متقاضیان ارائه شد و در ادامه شرکت‌کنندگان به برف‌تکانی از درختان بوستان طرق پرداختند. ■

مشارکت شوراهای اجتماعی محلات منطقه در طرح پویش وقف سواد

هم‌اندیشی برای رفع بی‌سوادی

در محله

۹۹

بخشنامه

نشست مشترک اعضای شوراهای اجتماعی محلات منطقه با مجریان پروژه «شهر یادگیرنده، شهر خلاق» و مسئولان شهرداری منطقه برای همفکری و مشارکت شوراهای اجتماعی در فرایند شناسایی و ثبت نام شهروندانی که تاکنون به یادگیری سواد موفق نشده‌اند، برگزار شد.



در ابتدای این نشست فاطمه باقری، مسئول پروژه «شهر یادگیرنده، شهر خلاق»، با اشاره به تفاهم‌نامه وقف سواد برای سوادآموزی به افراد بی‌سواد در شهر مشهد منعقد بین شهرداری، شورای شهر و اداره آموزش و پرورش استان در شهر پور امسال گفت: طبق این تفاهم‌نامه ۳ جانبه پروژه‌هایی تعریف شده است. یکی از این پروژه‌ها تحت عنوان پویش وقف سواد است. هدف از این پویش آموزش مهارت خواندن و نوشتن به افراد بی‌سواد شهر مشهد است.

● سوادآموزی به سنین ۱۰ تا ۴۹ سال

باقری ادامه داد: جامعه هدف در این طرح با توجه به سیستم آموزشی نهضت سوادآموزی، بی‌سوادان مطلق در بازه سنی ۱۰ تا ۴۹ سال است. در گام اول این طرح بی‌سوادان شهر مان که حدود ۲۹ هزار نفر هستند، کشف و شناسایی می‌شوند. باید اطلاعات دقیقی آن‌ها و اینکه کجا سکونت دارند گردآوری شود تا نهضت سوادآموزی وارد مرحله اجرا شود. مسئول پروژه «شهر یادگیرنده، شهر خلاق» از اقدام این گروه برای شناسایی افرادی بی‌سواد خبر داد و بیان کرد: شهرداری مشهد قصد دارد در گام کشف و شناسایی بی‌سوادان نهضت رایاری کند. شاید عنوان شود برخی از این اطلاعات مورد نیاز در اختیار برخی نهادها قرار دارد که باید بگویم ما به بخشی از اطلاعات کلی آن‌ها دست پیدا کردیم که طبق این اطلاعات در ۳ منطقه جامعه‌افراد بی‌سواد بیشتر هستند. متأسفانه در برخی از محلات منطقه ۷ آمار بی‌سوادی بیشتر دیده می‌شود. همچنین ما برای شناسایی و پیدا کردن این افراد از سازمان‌های مردم‌نهاد، تبلیغات محیطی، تبلیغات مجازی، سازمان‌هایی که در این حوزه آمار دارند، استفاده کردیم اما یکی از بهترین بسترهایی که در این بین می‌شود آن بهره‌برداری‌های اجتماعی و دفاتر تسهیلگری در محلات هستند. شهر و نندگان به اعضای شورای اجتماعی محلات اعتماد بیشتری دارند و اعضای شوراهای اجتماعی و دفاتر نسبت به شهروندان و شرایط محلات اطلاعات بیشتری دارند. به همین دلیل ما از شما می‌خواهیم به کمک کنید.

باقری از محدودیت‌ها در طرح پویش وقف سواد گفت: این پروژه متأسفانه محدودیت‌هایی دارد مانند رده سنی که نهضت سوادآموزی همیشه با آن کار کرده است. ماتمایل داشتیم تنها یک رده سنی خاص شامل این طرح نشود اما نهضت سوادآموزی مقررات و قوانینی دارد و ما به این سازمان احترام می‌گذاریم و مطیع آن‌ها هستیم. نهضت سوادآموزی به افرادی آموزش

می‌دهد که دارای کد ملی هستند یا مهاجرانی که بدون مجوز در اینجاساکن هستند. متأسفانه این محدودیت‌ها باعث ریزش در آمار مامی شود چرا که برخی از هموطنان مافاقد کد ملی هستند. ماسعی داریم تا جایی که امکان دارد سوادآموزی را برای همشهروندان ساده کنیم. به همین دلیل تحقیقاتی انجام شد تا ببینیم آن دسته از شهروندانی که بی‌سواد هستند چرا تا الان برای سوادآموزی مراجعه نکردند. نتیجه این تحقیقات به ترتیب مسائل اقتصادی، دور بودن محل کلاس‌ها از محل زندگی، دور بودن محل سکونت معلمان از محل کلاس‌ها و خسته بودن آن‌ها زمانی که می‌رسند و اینکه شاغل هستند و ساعت برگزاری کلاس‌ها به ساعت کاری آن‌ها نمی‌خورد و اینکه کسب درآمد برایشان از کسب سواد دارای اهمیت بیشتری است. با توجه به این بررسی‌ها با نهضت سوادآموزی قرار گذاشتیم با توجه به شرایط بی‌سوادانی که در اینجا نام‌نویسی کردند کلاس برگزار شود. برای نمونه یکی از مسائلی که با نهضت صحبت شده، این است که اگر تعداد داوطلبان به یک تعداد معین برسند نهضت معلم برای آن‌ها می‌فرستد و در همان ساعتی که آن‌ها بخواهند کلاس تشکیل می‌شود.

● راه‌های ثبت نام در کلاس‌های نهضت

مسئول پروژه «شهر یادگیرنده، شهر خلاق» با اشاره به راه‌های متقاضیان در کلاس‌های نهضت سوادآموزی در این طرح بیان کرد: فرم‌های ثبت نام در اختیار اعضای شورا قرار می‌گیرد و از شما می‌خواهیم در محلات توزیع و از داوطلبان واجد شرایط ثبت نام کنید. البته این تنها راه ثبت نام نیست. متقاضیان می‌توانند با سامانه ۱۳۷ تماس بگیرند یا در سایت سازمان نهضت سوادآموزی ثبت نام کنند. در ادامه این نشست اعضای شورای اجتماعی محلات به بیان نظرات خود پرداختند. حجت‌الاسلام صباغیان، رئیس شورای اجتماعی پروین اعتصامی، گفت: اعضای شوراهای اجتماعی باید ببینند چگونه می‌توانند از ظرفیت‌های محله برای اطلاع‌رسانی استفاده کنند تا ببینیم چگونه می‌توانیم باعث و بانی یک کار خیر شویم. صباغیان افزود: ما در محله پروین اعتصامی ۴ مسجد و ۲ مدرسه داریم که شورای اجتماعی پروین اعتصامی این موضوع را در این مکان‌ها به اطلاع عموم خواهد رساند و همین‌طور هیئت‌های مذهبی و تشکلهای محلات نیز ظرفیت‌های خوبی برای اطلاع‌رسانی هستند.

V

هفته نامه محلی مردم مشهد / شماره ۳۶۵ / سه شنبه / ۱۸ بهمن ۹۸

آی خبر

۱۰

نام شهدای طرق بر محور طرق-محمدآباد نشست

بخششونده - ابتدای مهر امسال بود که جاده محمدآباد- طرق به طول ۵ کیلومتر و عرض ۷ متر با هزینه ۱۲ میلیارد تومان بازسازی شد. از همان ابتدا شهروندان شهرک طرق در خواست کردند تا این محور به نام شهدای طرق نام‌گذاری شود که این درخواست مردم در صحن علنی شورای اسلامی شهر به تصویب رسید.

ناصر خجسته، رئیس اداره اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه، در باره فرایند تصویب نام شهدای طرق به شهر آرا محله گفت: با پیگیری اعضای شورای اسلامی شهر مشهد عملیات بازسازی جاده محمدآباد انجام شد و در مراسم بهره‌برداری که شهردار مشهد و تعدادی از اعضای شورای اسلامی شهر حضور داشتند زمان درخواست مردمی برای نام‌گذاری این محور به نام شهدای طرق مطرح شد. شهروندان طرقی در آنجا گفتند شهرک طرق شهیدان بسیاری دارد و از این رو درخواست دارند این نام به روی این جاده گذاشته شود. خجسته ادامه داد: مطالبه مردم به همین جا خلاصه نشد و شهروندان در ادامه نامه درخواست نام‌گذاری این محور را با بیش از هزار امضا به شهرداری منطقه ارسال کردند و شهردار منطقه نیز با توجه به این نامه قول پیگیری آن را به شهروندان طرقی داد و نامه از سوی شهرداری منطقه به سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد ارسال شد. در ادامه این نام در کمیته نام‌گذاری کمیسیون فرهنگی مطرح و به تصویب رسید. پس از آن نام‌گذاری این محور در صحن شورای اسلامی شهر در دستورکار قرار گرفت و خوشبختانه در آنجا نیز به تصویب رسید و نهایی شد.

خجسته افزود: افزون بر نام شهدای طرق، خیابان سبحان ۲۳ نیز با مصوبه شورای اسلامی شهر با حفظ شماره به نام شهید محمود خوش ظاهر نام‌گذاری شد. نام‌گذاری این خیابان نیز در خواست مردمی بوده به این صورت که خانواده این شهید با مراجعه به بنیاد شهید درخواست نام‌گذاری این مسیر را مطرح کردند و در ادامه با نامه این سازمان به شهرداری منطقه مادرخواست نام‌گذاری این مسیر را ارسال کردیم. ■

تداوم مراسم پاسداشت شهادت سردار سلیمانی در منطقه

جلائیان - یادواره شهید سردار سپهد قاسم سلیمانی و شهدای مقاومت با حضور صدها تن از شهروندان در پایگاه بسیج شوشتری مسجد امام حسین (ع) در سیدی برگزار شد.

به گزارش شهر آرا محله، مهدی شامل، فرمانده پایگاه شهید شوشتری ناحیه یک کمیل، گفت: به پاس زحمات شهید سردار سلیمانی و دیگر شهدای مقاومت، مراسمی با سخنرانی امیر سرتیپ آذریان، فرمانده قرارگاه شمال شرق ارتش و با حضور خانواده محترم شهدا و شهدای مدافع حرم، امامان جماعت مساجد محدوده سیدی، فرمانده بسیج ناحیه کمیل، جمعی از مقامات سپاه و صدها تن از شهروندان سیدی برگزار شد.

فرمانده پایگاه شهید شوشتری ادامه داد: این دومین برنامه ما برای شهید سردار قاسم سلیمانی بود که با قرائت قاری بین المللی، آقای قاضیان، آغاز شد و با سخنرانی امیر سرتیپ آذریان ادامه پیدا کرد و با انجام پذیرایی از شرکت‌کنندگان به پایان رسید.

«شامل» با اشاره به برنامه‌های دیگری که در سیدی برای شهید سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس برگزار شد، افزود: اولین برنامه که ما برای پاسداشت سردار سلیمانی برگزار کردیم توزیع نان رایگان در سیدی بود که با مشارکت پایگاه بسیج شهید شوشتری و جمعی از کسبه سیدی انجام و حدود ۱۰۰۰ قرص نان برای شادی روح سردار توزیع شد. البته برگزاری مراسم برای سردار سلیمانی تنها مختص به مسجد امام حسین نبود و افزون بر این مکان دیگر مساجد محله نیز برای این شهید و دیگر شهدای مقاومت برنامه‌های متنوعی را با حضور خانواده محترم شهدا و آحاد مردم برگزار کردند. ■



آخرین خبر



۱۱

مرمت و بازسازی پل غدیر تا خرداد سال آینده

کار مرمت و اصلاح پل غدیر با اعتبار یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان از سوی اداره فنی و عمران شهرداری منطقه ۷ آغاز شد.

به گزارش شهرآرامحله، یاسر ابراهیمی، رئیس اداره فنی و عمران شهرداری منطقه، گفت: کار مرمت پل غدیر به علت خراب شدن درزهای انبساط این پل، خُرده شدن دیوارهای بتنی و همچنین نشست آن در دستور کار اداره فنی و عمران شهرداری منطقه ۷ قرار گرفت و کار تعمیر و مرمت این مکان به یک پیمانکار بخش خصوصی واگذار شد.

ابراهیمی ادامه داد: برای این پروژه اعتباری بالغ بر یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده است و در آن درزهای انبساط، اصلاح خیز پل و بازسازی دیوارهای بتنی انجام خواهد شد. رئیس اداره فنی و عمران منطقه افزود: بیش از ۱۰ نفر نیروی اجرایی در این پروژه به کار گرفته شدند و تلاش می کنیم کار اصلاح پل بدون مسدود کردن این محور تا خرداد سال آینده به پایان برسد.



۱۲

مراسم سردار در فدائیان اسلام

مراسم یادبود شهید قاسم سلیمانی در مجتمع دانشجویی امام رضا از سوی مؤسسه جوانان آستان قدس برگزار شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی مؤسسه جوانان آستان قدس رضوی، حجت الاسلام ماندگاری در این مراسم گفت: حاج قاسم سلیمانی وجودی بود که از غیر خدا نمی ترسید و با تمام وجود در مسیر اراده خدا حرکت کرد و همین امر باعث شد تا شهادت این انقلاب عظیم را در عالم به راه بیندازد.

وی با اشاره به واقعه عاشورا ادامه داد: در ظاهر امام حسین (ع) در روز عاشورا شکست خورد، اما آیا امروز هم می توانیم مدعی این ادعا باشیم که نهضت عاشورا شکست خورده است؟ امام حسین (ع) در مسیر اراده خدا حرکت کرد و امروز همه برای ما باور هستند که ایشان پیروز میدان حق و باطل بوده اند. استاد حوزه و دانشگاه افزود: حاج قاسم سلیمانی با خون خود برای اسلام هزینه داد و سردار حاجی زاده عزیز با آبروی خود این کار را برای اعتلای اسلام کرد.



۱۳

بررسی مشاغل مزاحم در شورای سلامت

جلسه شورای سلامت و بهداشت منطقه با دستورکار بررسی و سامان دهی مشاغل مزاحم و آلاینده های شغلی برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه ۷، در این جلسه همچنین راه های کنترل بیماری ایدز و بیماری های غیر واگیردار با حضور نمایندگان فرمانداری، مسئولان شهرداری منطقه، مرکز بهداشت شماره ۵ و دیگر سازمان های مرتبط بررسی شد.

در ابتدای این نشست سید علی عابدی، مسئول سد معبر و بند ۲۰ منطقه، به بیان گزارشی از عملکرد این واحد در ۹ ماه ابتدای سال پرداخت. در ادامه این جلسه بحث سامان دهی مشاغل مزاحم در دستورکار قرار گرفت و اعضای شرکت کننده در این نشست به تبادل نظر در این باره پرداختند. در پایان این نشست اعضا درباره پیگیری مصوبه های جلسه های گذشته این کارگروه، بیماری ایدز و بیماری های غیر واگیردار در فصل زمستان آموزش هایی به حاضران داده شد. جلسه شورای بهداشت ماهانه یک بار در منطقه تشکیل می شود که مباحث مشترک میان سازمان های مختلف و بهداشت را به بحث و بررسی می گذارد.

حرف مردم

این ستون به حرف مردم و پیام های ساکنان منطقه اختصاص دارد. شهروندان می توانند مشکلات محله خود را با شماره تماس ۳۷۲۸۸۸۸۱ و پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹ یا مادر میان بگذارند تا آن را به گوش مسئولان برسانیم.

درخواست نظافت روزانه

عباسی: رفت و روب در آدرس دای ۳۷ به طور نامنظم انجام می شود، درخواست نظافت روزانه و منظم داریم.

پاسخ ۱۲۷: با توجه به بارش برف جمع آوری پسماند در چند روز گذشته با کندی انجام شده است که ان شاء... از فردا به صورت مطلوب انجام می شود.

جمع آوری شاخ و برگ

محمودی: شاخ و برگ درختان در احزاب ۴ به دلیل بارش برف از سوی شهرداری قطع شده اما هنوز شاخه ها جمع آوری نشده است، درخواست جمع آوری داریم.

پاسخ ۱۲۷: در پی تماس شهروند جمع آوری شد.

مزاحمت کارواش

شهروند: کارواش در نیش ریاضی ۲۰ با ایجاد سروصدا برای اهالی مزاحمت زیادی دارد درخواست اخطار داریم.

پاسخ ۱۲۷: طی بازدید انجام شده و مشاهده تخلف و با عنایت به اینکه این واحد دارای پرونده کمیسیون بند ۲۰ است از طریق مراجع قضایی برای صلور دستور پلمب در اولین فرصت اقدام خواهد شد.



مردم

باری که نیسان هم در برابرش کم می آورد
موقعیت: خیابان ۱۷ شهریور

۱۴

دریافتی